

به نام پروردگاریت

## بیستون عشق

مشارکت اجتماعی زنان در کمک‌رسانی به جبهه‌ها  
در جنگ عراق - ایران

سمیه سادات شفیعی

عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات اجتماعی  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران ۱۳۹۹



## پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فروشگاه کتاب: خیابان کریم‌خان‌زند، بین قرنی و ایرانشهر، پلاک ۱۷۶ تلفن: ۸۳۱۷۱۹۲

### بیستون عشق

مشارکت اجتماعی زنان در کمک‌رسانی به جبهه‌ها در جنگ عراق - ایران

مؤلف: دکتر سمیه سادات شفیعی

مدیر انتشارات: یدالله رفیعی

مدیر تولید و نظارت: سیدمحمدحسین محمدی

ویراستار و صفحه‌آرا: مهدیه دین پناه

اجرای جلد: حسین فیلی زاده

مسئول فنی: عرفان بهار دوست

چاپ اول: ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: سفیر اردهال

قیمت: ۶۵،۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: شفیعی، سمیه‌سادات، ۱۳۵۸ -

عنوان و نام پدیدآور: بیستون عشق: مشارکت اجتماعی زنان در کمک‌رسانی به جبهه‌ها در جنگ عراق - ایران/سمیه‌سادات شفیعی.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۳۵۰ص: جدول.

شابک: 978-622-6304-92-4

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص[۳۳۵]۳۴۳-

عنوان دیگر: مشارکت اجتماعی زنان در کمک‌رسانی به جبهه‌ها در جنگ عراق - ایران.

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷-۱۳۵۹ -- زنان

موضوع: Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Women

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷-۱۳۵۹ -- مشارکت زنان

موضوع: Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Participation, Female

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷-۱۳۵۹ -- امدادرسانی

موضوع: Iran-Iraq War, 1980-1988 -- War work

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شناسه افزوده: Institute for Humanities and Cultural Studies

رده بندی کنگره: DSR۱۶۲۸

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲۲

شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۵۳۴۹۵

وضعیت رکورد: فیبا

میتون راعشق کند و شهرتش فرهاد برد  
رنج گل بلبل کشید و بوی او را با دبرد

با قدردانی از مقام والای سگوه زندگی ام؛ مادرم  
این اثر تقدیم می شود به؛

چشمان همیشه منظر مادران، خواهران، همسران و دختران شهدای مفقود الاثر ایران



## فهرست

۷	مقدمه
۹	سامان کتاب
۱۱	فصل اول: کلیات
۱۴	اهمیت و ضرورت پژوهش
۱۴	اهداف پژوهش
۱۶	پیشینه پژوهش
۲۲	روش‌شناسی
۲۶	اخلاق پژوهش
۲۶	محدودیت‌های پژوهش
۲۹	فصل دوم: مبانی نظری
۲۹	الف) مروری بر مباحث نظری مفهومی
۲۹	مشارکت اجتماعی
۳۲	گونه‌شناسی مشارکت اجتماعی
۳۵	ادبیات نظری مشارکت اجتماعی
۳۸	نظریه‌های متأخر مشارکت اجتماعی
۴۷	کارکردهای مشارکت اجتماعی
۵۱	ب) مروری بر مباحث تجربی نظری موضوع
۵۱	زنان و پشتیبانی از نیروهای نظامی در جنگ‌های جهان
۵۱	مشارکت اجتماعی زنان بریتانیایی در حمایت از نیروهای نظامی این کشور
۵۵	مشارکت اجتماعی زنان فرانسوی در حمایت از نیروهای نظامی این کشور
۵۷	مشارکت اجتماعی زنان آمریکایی در حمایت از نیروهای نظامی این کشور
۵۸	چارچوب مفهومی

۶۱	<b>فصل سوم: یافته‌ها</b>
۶۷	الف) سنخ‌شناسی فعالیت‌های زنان در کمک‌رسانی به جبهه‌ها
۶۷	مشارکت زنان در مناطق جنگی
۸۰	مشارکت زنان در سایر مناطق کشور
۱۸۳	ب) ابعاد و ماهیت سازمان کار کمک‌رسانی
۱۸۴	اعضا
۱۹۷	سازمان کار
	۱. گردآوری کالا و مواد اولیه ۲. ابزار کار ۳. اطلاع‌رسانی و فراخوان انجام کار
	۴. مکان ۵. زمان ۶. تقسیم کار ۷. توالی زنجیره کار ۸. مدیریت کار ۹. فضای کار
۲۵۱	اخلاق کار
۲۶۰	سختی کار
۲۶۹	تعاملات انسانی نیروی کار در حین کار
۲۸۷	مخاطرات کار
۲۹۰	محصول نهایی کار کمک‌رسانی
۲۹۶	انگیزه
۳۰۹	ج) ابعاد میدان اجتماعی مشارکت زنان در کمک‌رسانی
۳۱۰	مدیریت کار خانگی و رسیدگی به امور همسر و فرزندان
۳۱۵	موانع
۳۲۲	حمایت‌ها
۳۲۵	<b>فصل چهارم: نتیجه‌گیری</b>
۳۳۲	پیشنهاد‌های پژوهشی
۳۳۳	پیشنهاد‌های کاربردی
۳۳۵	<b>منابع</b>
۳۳۵	منابع فارسی
۳۴۰	منابع لاتین

## مقدمه

موضوع زنان همواره یکی از مناقشه‌آمیزترین موضوعات در بررسی‌ها، تنظیم و اجرای قواعد اجتماعی، برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها بوده است. این امر تا حدی به ماهیت سنت‌ها و باورهای عرفی جوامع و اجتماعات بازمی‌گردد اما در حقیقت ریشه در جایگاه فرادست به‌طور تاریخی اختصاص یافته به مردان در عرصه علم و قدرت دارد. در نتیجه امکان روایتگری و تفسیر از منظر آنان امری استعلاایی پنداشته شده است و حتی برای زنان بدیهی انگاشته می‌شود. در نقطه مقابل، اعتباربخشی به خوانش زنان و درک نگاه آنان، به پژوهشگران و عالمان مترصد کمک می‌کند تا در جریان تولید علم بومی، شناخت موسعی از ظرایف واقعیت‌ها و روابط اجتماعی به دست آورند.

یکی از برهه‌های قابل تأمل و مورد غفلت واقع شده در تاریخ معاصر ایران، دهه اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی است که مصادف با جنگ هشت‌ساله عراق و ایران نیز بوده است. بررسی ساختارها و کسب شناخت بهتر از واقعیت‌های این دوره، به شناخت ریشه‌ها و پس‌زمینه‌های مناسبات دو جنس، روابط آنان با هم‌نوعان و نیز با ساختارهای اجتماعی، جایگاه‌ها و انتظارات نقشی، پنداشت از ظرفیت‌های انسانی زنان و مردان، خط‌مشی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در ایران امروز و چگونگی تغییرات اجتماعی آن در طول زمان می‌انجامد و از این نظر حاوی اطلاعات ذی‌قیمتی است. اثر پژوهشی حاضر به روش کیفی و با بهره‌گیری از شیوه مطالعه‌ی مبنایی به مطالعه‌ی چرایی و چگونگی حضور زنان در فعالیت‌های داوطلبانه کمک‌رسانی به جبهه‌های جنگ تحمیلی در طول هشت سال تداوم آن می‌پردازد. گذر ایام و پیرشدن یا ازدست‌رفتن زنان مشارکت‌کننده، کمبود مطالعه علمی در این زمینه، نادیده‌انگاشتن و فراموشی نقش اجتماعی زنان در این برهه، نبود مطالعه جامع‌شناختی با محوریت این موضوع از جمله برخی ضرورت‌های پرداختن به این مسئله بوده است. لذا این نوشتار، با به‌رسمیت‌شناختن تجربه زنان مشارکت‌کننده در پرداختن به این فعالیت‌ها و نیز جنگ

به‌خودی‌خود، با ثبت و گردآوری مجدانه و تمرکز بر روایت زنان، آن روایت‌ها را به منزله داده‌های دست اول و برای مطالعه چرایی و چگونگی مشارکت اجتماعی آنان مورد تحلیل قرار داده است. از این روایت زنان از مشارکت اجتماعی در وضعیت جنگی در جایگاه میدان کنش، زمینه اصلی این پژوهش است و در این معنا نیز برخلاف روایت‌های معمول که غالباً مردانه و برآمده از صحنه نبرد است، دستاوردهای جدیدی برای تاریخ شفاهی معاصر نیز به دنبال دارد. انجام این مهم به طریقی علمی و روشمند و با کاربرد چارچوب مفهومی مشارکت اجتماعی در جامعه‌شناسی میسر شده است. براین اساس حجم نمونه برحسب فرصت زمانی دو ساله انجام طرح در ابتدا ۳۰ نفر پیش‌بینی شده بود، اما با توجه به محدودیت‌ها، کمبود امکانات و نیز ورود مباحث جدید و طرح سنخ‌های بی‌سابقه‌ای از نوع فعالیت‌های کمک‌رسانی و به‌منظور دستیابی به اشباع نظری انجام پژوهش ۸ سال به طول انجامید و در نهایت با ۱۰۷ نفر از زنان دارای سابقه فعالیت داوطلبانه در زمینه کمک‌رسانی به جبهه‌ها مصاحبه انجام گرفت. با توجه به ماهیت متکثر اجتماعات محلی و تنوع قومی در ایران، تلاش شد تا اطلاع‌رسان‌ها از تنوع سنی، قومی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی گوناگون برخوردار باشند. علاوه بر مصاحبه با مشارکت‌کنندگان، اسناد موجود نیز بررسی و واکاوی شد. مصاحبه‌ها کدگذاری و مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها در سه محور اساسی به سنخ‌شناسی فعالیت‌های کمک‌رسانی زنان در پشتیبانی از جبهه‌ها و نیز عناصر و شاکله سازمان اجتماعی کار داوطلبانه آنان می‌پردازد. از حیث فعالیت‌ها، حدود ۳۰ نوع فعالیت مورد شناسایی قرار گرفت. در رابطه با وجوه سازمانی کار داوطلبانه نیز به عناصری چون ویژگی‌های اعضا از بُعد کمی و کیفی، سازمان کار با مولفه‌هایی چون: چستی و چگونگی گردآوری ماده اولیه، ابزار کار، اطلاع‌رسانی و فراخوان انجام کار، مکان، زمان، چگونگی تقسیم کار، توالی کار، مدیریت کار، فضای انجام کار و به‌علاوه به اخلاق کار، تعاملات انسانی نیروی کار، مخاطرات کار و محصول نهایی کار داوطلبانه کمک‌رسانی به تفصیل و براساس نقل‌قول‌های حاصل از مصاحبه‌ها پرداخته شد. در بخش سوم، ابعاد میدان اجتماعی کنش داوطلبانه زنان مورد بررسی قرار گرفته و تلاش شده تا با در نظر گرفتن زنان در مجموعه روابط ناشی از عهده‌داری نقش‌های اجتماعی، موانع و حمایت‌ها و نیز استراتژی‌های عاملان در حفظ و تداوم جایگاه خود در حوزه عمومی به‌عنوان کنشگر داوطلب از یک‌سو و از سوی دیگر در مقام همسر، مادر و دختر در حوزه خصوصی لحاظ شود.



در مجموع اطلاعات گردآوری شده در جریان تحقیق، سرشار از یافته‌های معتبر است و دارای ظرفیت‌های تولید دانش بومی در طیفی از مطالعات میان‌رشته‌ای است و راه را بر طرح ایده‌های مطالعاتی و کاربردی جدید آن‌چنان‌که در فصل آخر و در قالب پیشنهادات آمده است می‌گشاید.

## سامان کتاب

عنوان کتاب از کوه معروف بیستون الهام گرفته شده است و تداعی‌گر عشقی اسطوره‌ای است که در اشعار، امثال و کلمات نغز در تاریخ و ادب ایران زمین قدمتی باستانی دارد. این کلمه، صورت‌تطور یافته‌ای از بهستان و بغستان است<sup>۱</sup> و بر مکانی معنوی و فرح‌بخش دلالت دارد که جلوه‌گاه حضور خداست. به یقین و آن‌چنان‌که در کتاب آمده، حضور، تعامل و کوشش زنان برای پرداختن به فعالیت‌های کمک‌رسانی سرشار از عشق، خلوص و شوق بوده؛ گویی در محضر خدا و فارغ از مکان و زمان در امتداد حس زیبای مادری و خواهری نسبت به فرزندان وطن در تکاپو و تقلا بوده‌اند. از این منظر به یقین موضوع پژوهش حاضر، همچون مجموعه بیستون، میراث جهانی ایرانیان است که مجهول مانده است.

نوشتار حاضر در چهار فصل ارائه خواهد شد. فصل اول به کلیات تحقیق و نیز روش‌شناسی می‌پردازد. فصل دوم حاوی مبانی نظری - مفهومی است. فصل سوم شامل یافته‌های تحقیق است که در بردارنده گزارش مبسوطی از ابعاد موضوع به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی است. فصل چهارم در قالب مؤخره به جمع‌بندی مباحث، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد می‌پردازد، ولی نتیجه‌گیری‌های اصلی را برای خوانندگان باقی می‌گذارد تا با خوانش‌های مختلف خود از این یافته‌های قابل تأمل و بکر، راه را بر ایده‌های نو در زمینه مطالعات زنان و جنسیت در تاریخ ایران مدرن بگشایند.

در این جا از زنانی که با در اختیار قراردادن تجربیات ارزشمند خود سهم بسزایی در تألیف این اثر داشتند سپاسگزارم. در لحظه‌لحظه همراهی‌شان حس زیبای مادری و خواهری را به من و این پژوهش بخشیدند و با یادآوری خاطرات، برایم دنیایی شگفت‌انگیز ساختند. و نیز از دانشجویانم در یک دوره کارشناسی ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی، در کلاس روش تحقیق کیفی، متشکرم که برخی با علاقه‌مندی درخواست مرا برای یافتن اطلاع‌رسانان تحقیق و حتی

۱. برای مطالعه بیشتر بنگرید به ناتل خانلری، پرویز (۱۳۶۵)، تاریخ زبان فارسی، تهران: نشر فردوس. صفحات ۴۴ و ۱۲.

همراهی در انجام مصاحبه پاسخ گفتند و این‌گونه در برابر دشواری‌ها، موانع، ناملايمات، محدودیت‌ها و بی‌توجهی‌ها، به ادامه راه دل‌گرم کردند. بعدها خود نیز تجربه این کلاس را در ارتباط‌گیری با میدان اجتماعی و تمرین تکنیک‌های تحقیق کیفی، منحصر به فرد و فراموش‌نشده دانستند. به یقین اگر مجال دیگری برای تدریس در دانشگاه علامه طباطبائی می‌یافتم، خاطرات شیرین بیشتری با مشارکت‌دادن دانشجویانم در جریان پژوهش و توسعه مرزهای دانش پیرامون مردمانی که عاشقانه در راه وطن و ارزش‌های والايشان زیستند و از بذل جانشان دریغ نداشتند می‌آفریدیم.

همچنین قدردان همکاران بزرگوارم، جناب آقای دکتر اسماعیل زینی و سرکار خانم دکتر طاهره ایشانی، برای راهنمایی‌های مفیدشان درباره مقدمه لاتین و فارسی کتاب هستم؛ و نیز از همسر نیک‌اندیش و گران‌قدرم به‌خاطر هم‌فکری‌ها، حمایت‌ها و همراهی‌های بی‌مانند و ستودنی‌اش در این سال‌ها بسیار سپاسگزارم.

خداوند را بسیار شاکرم که در راستای پژوهش پیرامون زنان وطنم، مرا همواره رهین ایده‌ها، انگیزه والا و عنایت خاصه‌اش قرار داده و در مسیر تولید دانش بومی مصمم نگه داشته است. همچون هر مؤلف دیگری از مطالعه این اثر از سوی خوانندگان علاقه‌مند خوش‌حال خواهم شد؛ اما این مسرت و نشاط آن زمان شوق‌آفرین و انرژی‌بخش است که با نقد و نظر همراه باشد. امید که در تبادل نظرات و تعاملات، همکاری‌های علمی - پژوهشی غنی‌تری به بار نشیند.

سمیه سادات شفیعی

پاییز ۱۳۹۹

## فصل اول

### کلیات

مشارکت اجتماعی به عنوان پدیده‌ای که از گذشته دور با زندگی اجتماعی انسان عجین بوده مطرح شده است و امروزه به خاطر جایگاه آن، از جمله در فرایندهایی چون توسعه، پیش‌ازپیش مورد توجه قرار گرفته است. مشارکت فراتر از عملی منفعلانه و رابطه همکاری صرف نشانگر کنشی ارادی، فعال و آگاهانه است. از این منظر زنان و مردان فارغ از انگاره‌های جنسیتی جوامع می‌توانند در ارتقای کیفیت زندگی و کنترل امور جاری مشارکت داشته باشند. چه بسا درباره مشارکت زنان که خصوصاً در برخی جوامع به‌طور متمادی شرایط فرودستی را تجربه کرده‌اند باید گفت آنان در فضای مشارکت با بهره‌گیری از فرصت‌ها، به اتکای توانمندی‌ها و استعداد‌های خود و برحسب علایق و تمایلات، در مقام کنشگرانی خلاق و آگاه برای دفاع از شأن، کرامت و حقوق انسانی خود به‌پا خواسته‌اند، روابط اجتماعی قالبی و انگاره‌های ازپیش‌موجود جنسیتی را به چالش کشیده‌اند و کنش خود را در چارچوب فرصت‌های پیش‌رو در شکلی فعالانه سامان بخشیده‌اند. در این معناست که از نظر برخی از متخصصان علوم اجتماعی زنان، مشارکت اجتماعی آنان حرکتی آگاهانه، آزاد و مسئولیت‌آور است که برای تمشیت امور جامعه ضرورت دارد.

از این منظر هرچند جنگ به‌طور معمول پدیده‌ای شوم و خانمان‌سوز است که تجارب تلخی را در هر سوی متخاصم به جای می‌گذارد و سرنوشت انسان‌ها را تغییر می‌دهد، اما درعین حال در خلال تغییرات حاصله، ظرفیت‌هایی برای بروز توان افراد به‌منظور شرکت در مبارزه، مقاومت و پشتیبانی نیز دارد. بنابراین حوادثی مانند جنگ عراق و ایران نه تنها به‌خاطر تأثیرات سیاسی و دیپلماتیک خود اهمیت دارد، بلکه تأثیرات قطعی آن در شکل‌دهی به زندگی مردم بسیار قابل تأمل است. از جمله شهادت تعداد کثیری از هم‌وطنان، تخریب مناطق

مسکونی در شهرها و روستاها، اسارت، آسیب‌دیدگی و ضایعات بعضاً غیرقابل بازگشت جسمی نیروهای نظامی و غیرنظامی فقط بخشی از تلخی‌هایی است که از این فاجعه به اذهان جمعی متبادر می‌شود؛ حال آنکه بخش قابل توجهی از مباحث ناگفته مانده است.

اکثر خاطرات منتشرشده و بیان‌شده روایت‌های مردانه از میدان نبرد و یادآوری مراحل و چگونگی جذب رزمندگان، آموزش، اعزام و حضور در جبهه‌ها، روابط میان فردی، انگیزه حضور، توصیف وضعیت جنگ و به‌طور خاص درک ابعاد شخصیتی، مهارت‌ها و استعدادهای شهدا، جانبازان، آزادگان و رزمندگانی است که به‌یقین دین عظیمی بر گردن همه ایرانیان دارند. در این معنا اساساً جنگ پدیده‌ای مردانه تلقی شده و به نقش زنان در آن توجهی نشده است. حال آنکه این اژدهای چندسر پرهیت زندگی بیشتر مردم این سرزمین را به فراخور در کام خود کشانده و کنش‌های متفاوت آنان را به‌دنبال داشته است. اندک خاطرات انتشاریافته زنان نیز آنان را در قالب موارد منحصر به فردی نشان می‌دهد که در میدان جنگ به مبارزه رودررو، پرستاری و امدادگری در خطوط مقدماتی، خبرنگاری، عکاسی و شست‌وشو و دفن شهدا پرداخته‌اند؛ زنانی که شجاعانه و عموماً به‌خاطر صیانت از شهرشان در نزدیک میدان نبرد و موقعیت‌های جنگی ماندند و مشتاقانه به استقبال خطر حتی تا مرز شهادت رفتند. هرچند وجود این زنان و پرداختن به نقش آنان دارای اهمیت و آفری است و به شناساندن ابعاد وجودی و شخصیتی زن ایرانی کمک بسزایی می‌کند، اما آنان را به موارد معدود نمادینی منحصر می‌سازد که کمتر انتظار می‌رود کسی ظرفیت توان‌آزمایی با چنین چهره‌هایی را داشته باشد؛ حال آنکه تعداد کثیری از زنان، به اقتضای فضای ایجادشده، داوطلبانه به مشارکت اجتماعی در قالب فعالیت‌های پشتیبانی و کمک‌رسانی به جبهه‌ها پرداختند و از این نظر با توجه به وضعیت جنگی و بحران‌های اجتماعی و نیز معضلات اقتصادی، در حرکتی آگاهانه، آزاد و مسئولیت‌آوری شرکت جستند که برای تمشیت امور جامعه ضروری محسوب می‌شد.

بررسی حضور این زنان عادی، که همسران، مادران، خواهران و دختران معمولی این سرزمین بودند و نقش مهمی در دفاع مقدس ایفا کردند و به‌ندرت دیده شده‌اند، موضوع پژوهش حاضر است. تأکید بر کلماتی چون معمولی و عادی بدین جهت است که این زنان هشت سال در فعالیت‌های داوطلبانه انرژی‌بر و وقت‌گیری مشارکت داشتند که حاصلش ارائه خدمات گسترده به رزمندگانی است که در جبهه‌ها می‌جنگیدند، ولی این قدر کارشان عادی جلوه می‌کرد که کمتر نامی از آنان برده شد و در پرداخت‌های مختلف به موضوع «نقش زن در

### کلیات ۱۳

دفاع مقدس» در انتها و سطور پایانی، آن هم به اختصار، به فعالیت‌هایشان اشاره شد. علی‌رغم حضور گسترده و تعداد کثیرشان، فعالیتشان ذیل عنوان کلی پشتیبانی و کمک‌رسانی به جبهه‌ها و در اشاره به میزان کمک‌رسانی غیرنقدی (تعداد کامیون‌های حامل موارد خوراکی و پوشاک) و نقدی (ارقام مختلف کمک‌رسانی نهادهای دولتی، بخش خصوصی و اصناف، اشخاص) گم شد و در عوض ارقام، تعداد و کمیت، اهمیت چشمگیر و گوش‌نوازی یافت. خود نیز برای پرهیز از ریا و به‌جهت خضوع و افتادگی در برابر مقام شامخ شهدا، جانبازان و خانواده‌هایشان سخنی از آنچه بر آنان گذشت نگفتند و امروزه نیز جز به دعوت مصرانه برای شرکت در مصاحبه و یا حزن به فراموشی سپرده‌شدن همچنان زبان به سخن نمی‌گشایند. نکته قابل‌تأمل آنکه در بررسی‌های اکتشافی اولیه مشخص شد کنش آنان از سوی جامعه و حتی برای برخی از زنان چندان جدی تلقی نشد و به بهانه پیش‌یافتادگی موضوع، سعی در انصراف محقق از انجام پژوهش داشتند، اما چنین موضع‌گیری‌هایی بیش‌ازپیش محقق را به انجام تحقیق علاقه‌مند ساخت، زیرا به‌عنوان پژوهشگری مستقل در حوزه زنان خود را متعهد به شناخت وضعیت و کنش زنان و تولید دانش بومی می‌داند که برخاسته از عینیت حضور زنان در برهه‌ها و مقاطع مختلف است.

از این نظر اثر حاضر به قصد بررسی و تحلیل مشارکت اجتماعی زنان در فعالیت‌های کمک‌رسانی به جبهه‌ها به انجام رسیده است.

پرسش‌های اصلی که ذهن محقق را به خود واداشته است حول دو محور اصلی چرایی و چگونگی مشارکت اجتماعی زنان در فعالیت‌های کمک‌رسانی به جبهه‌ها بود و مشتمل بر موارد ذیل است:

- نحوه مشارکت اجتماعی زنان ایرانی در فعالیت‌های کمک‌رسانی به جبهه‌ها در جریان جنگ عراق - ایران چگونه بوده است؟
- چرا زنان در فعالیت‌های کمک‌رسانی به جبهه‌ها در جریان جنگ هشت‌ساله مشارکت داوطلبانه داشتند؟
- روایت آنان از مشارکت اجتماعی خود و پرداختن به فعالیت‌های مزبور چیست؟
- آیا می‌توان سنخ‌شناسی از فعالیت‌های داوطلبانه کمک‌رسانی به جبهه‌ها در جریان جنگ هشت‌ساله ارائه داد؟

## اهمیت و ضرورت پژوهش

کم‌اهمیت دانستن، نادیده‌انگاشتن و فراموش کردن مشارکت اجتماعی زنان در کمک‌رسانی به جبهه‌ها از اصلی‌ترین عواملی است که بررسی این موضوع را پراهمیت و لازم می‌سازد. به‌علاوه علاقه محقق به فرهنگ دفاع مقدس که منبعث از ارزش‌ها و مرام مردمانی بود که آن را عاشقانه زیستند، همچنین اهمیت مطالعات نظری و عملی موضوع زن با توجه به فقدان دانش و پژوهش بومی خصوصاً در این زمینه از جمله ضرورت‌های انجام این تحقیق است. خصوصاً آنکه با افزایش سن و تغییر نسل بسیاری از فعالان مذکور در قید حیات نیستند و تأخیر در اجرای پژوهش می‌تواند به بهای از دست رفتن جامعه آماری تحقیق تمام شود.

حال و هوای امروزی جامعه ایران که با فاصله گرفتن از جنگ، شناخت کمتر نسل جوان درباره ابعاد این پدیده اجتماعی را در پی داشته است و تمایل وافر به طرح جنبه‌های مثبت جنگ مبتنی بر رویکردی فعالانه، در سمت‌وسویی که مجال سخن از مثبت‌اندیشی و هم‌افزایی پتانسیل‌های افراد مشارکت‌کننده و حرکت‌های خودجوش و داوطلبانه را میسر سازد، محقق را مصمم ساخت تا برای تکمیل‌ای بر روایت‌های جنگ، روایت زنان مشارکت‌کننده در کمک‌رسانی‌ها را معتبر دانسته و با وزن‌دهی به انگیزه و شور جمعی آنان، به بازسازی حوادث و وقایع پیرامون حضور آنان در این فعالیت‌ها و چگونگی آن و نیز سنخ‌شناسی فعالیت‌هایشان همت گمارد.

همچنین به نظر می‌رسد طرح ابعاد و چگونگی مشارکت اجتماعی زنان، بتواند نشانگر ظرفیت‌های آنان برای مشارکت در جریان‌های عمده و سرنوشت‌سازی چون توسعه باشد؛ فرایندی که امروزه می‌توان به یقین گفت دستیابی بدان منوط به مشارکت همه‌آحاد ملت است.

## اهداف پژوهش

هدف از انجام این مهم ایجاد حساسیت نسبت به شناخت هرچه بیشتر نقش زنان در جنگ از جمله مشارکت آنان در فعالیت‌های کمک‌رسانی به جبهه‌ها در جریان جنگ تحمیلی است. همچنین پژوهش در پی احصای روایت زنان از تجربه حضورشان در فعالیت‌های داوطلبانه در وضعیت جنگی نیز است. بستر تحقق این همه زندگی روزمره آنان است که محقق را به طرح و بسط ایده‌هایی فراتر از توصیف صرف فعالیت‌های عاملان اجتماعی سوق می‌دهد. از این لحاظ توجه به روایت زنان عادی از پرداختن به مشارکت اجتماعی در قالب فعالیت‌های

## کلیات ۱۵

کمک‌رسانی به جبهه، تنها ذکر حوادث تکراری و بی‌ارزشی نیست که گروهی را به خود واداشته، بلکه معبری برای درک اصالت انگیزه کنش‌هایی است که فعالانه، داوطلبانه و آگاهانه به منصفه ظهور رسیده است.

علاوه بر طرح روایت کنشگران از مشارکت، انگیزه آنان از فعالیت‌های داوطلبانه را نیز مورد کاوش قرار داده است و درعین‌حال ضمن ارائه چگونگی پرداختن به فعالیت‌های کمک‌رسانی به جبهه‌های جنگ، تلاش دارد تا سنخ‌شناسی از انواع فعالیت‌های کمک‌رسانی ارائه دهد. همچنین خاطر نشان می‌سازد نتایج حاصل از این پژوهش با روشن ساختن وضعیت مشارکت‌های اجتماعی زنان در حمایت از جبهه‌ها در جریان جنگ تحمیلی و ارائه سیمایی از تلاش‌های داوطلبانه و غیررسمی آنان، ضمن به رسمیت شناختن و ثبت تجارب میدانی کنشگران، زمینه‌های بهره‌مندی سایر پژوهشگران، دانشجویان و علاقه‌مندان به مطالعه و پژوهش‌های آتی در این حوزه را میسر سازد. در حقیقت با نشان دادن نمونه‌ای از مشارکت زنان در جامعه ایران، به ارائه داده در کنار پرداختی توصیفی - تحلیلی از یافته‌ها منجر می‌شود؛ همچنین با توجه به روایت خاص اطلاع‌رسان‌های فعال به‌عنوان منبعی موثق در حوزه بررسی روند تغییرات اجتماعی زنان و نقش آنان پس از انقلاب اسلامی نیز به‌کار آید. براین‌اساس می‌توان ادعا کرد یافته‌های این پژوهش در قالب مطالعات اجتماعی زنان آن‌چنان که در این رشته مرسوم است به تولید محتوای علمی و خصلت انباشتگی‌پذیری منجر شود. به لحاظ کاربردی نیز باید گفت یافته‌های این تحقیق موجب اشراف محققان آتی بر حیطه موضوعی مطالعات اجتماعی زنان، جامعه‌شناسی جنگ، تاریخ شفاهی معاصر، مطالعات مشارکت اجتماعی می‌شود و ضمن ارائه نمایی از حضور فعالانه زنان در بعد مسئله‌شناسی، روش‌شناسی، پیشینه پژوهش، ادبیات موضوعی، اطلاعات سودمندی ارائه خواهد کرد. لذا کلیه نهادهای مطالعاتی زنان از جمله گروه‌های آموزشی مطالعات زنان، پژوهشکده‌ها و گروه‌های پژوهشی زنان، نهادهای پژوهشی وابسته سازمانی و نیز نهادهای مستقل زنان که متعهد به انجام مطالعه در حیطه‌های اجتماعی فرهنگی زنان هستند مانند شورای فرهنگی اجتماعی زنان، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری می‌توانند از نتایج این پژوهش بهره‌مند شوند. درعین‌حال یافته‌ها حاوی داده‌های مفیدی برای پژوهشگران مستقل، حلقه‌های مطالعاتی و نیز سازمان‌های غیردولتی علاقه‌مند است.

## پیشینه پژوهش

پیش از این پژوهش‌های مرتبط با موضوع این نوشتار با جامعه هدف متفاوت و یا سرفصل‌های مشابه انجام شده است. محقق به فراخور به این تحقیقات نظر داشته است. لذا بی‌تردید نظرهای محققین پیشین و تلاش‌های آنان در بیان نکات کلیدی و تولد ایده‌های جدید سهم مهمی داشته است. لذا ضرورت دارد ضمن معرفی این پژوهش‌ها، توضیحی درباره مبانی نظری، شیوه کار و نتایج پژوهش به فراخور اهمیت برای تحقیق حاضر ارائه شود.

سام آرام، در مقاله پژوهشی تشکیل‌های خودجوش زنان روستایی برای پشتیبانی از جبهه‌های جنگ تحمیلی، آورده است در سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ که جوانان روستایی همراه دیگر اقشار جامعه به جبهه‌های جنگ می‌رفتند، اداره امور روستا عمدتاً به عهده زنان و سالخورده‌گان بود. مشاهدات نشان می‌دهد که زنان روستایی علاوه بر همکاری در اداره امور روستاها، به صورت خودجوش تشکیل‌هایی را ایجاد کرده بودند که برای پشتیبانی از جبهه‌ها و تأمین بخشی از مایحتاج فرزندان، برادران و همسرانشان در جنگ، به تهیه و تدارک مواد غذایی و پوشاک می‌پرداختند و بدون چشم‌داشت و با علاقه‌مندی بسیار، وقت و ثروت خود را برای پشتیبانی از جبهه‌های جنگ در اختیار می‌گذاشتند.

شواهد نشان می‌دهد که مسئولان و پژوهشگران کشور از کنار این واقعه مهم فرهنگی، اجتماعی با کم‌توجهی گذشتند و به آن عنایت بایسته نکردند. امکان دارد بی‌توجهی به این حرکت ارزشمند، که خلاقیت و استعدادهای فرهنگی زنان را به نمایش گذاشته است، در آینده فراموش شود و آیندگان از شناخت آن محروم گردند. در ماه‌های پایانی سال ۱۳۷۹ انجام یک طرح تحقیقاتی در این باره به تصویب رسید که امکاناتی، هرچند محدود، در اختیار محقق قرار داد تا در مورد زنان مشارکت‌جو در چند روستای کشور مطالعه‌ای مقدماتی را انجام دهد. این طرح در قالب یک پژوهش توصیفی در سال ۱۳۸۰ در ۱۰ روستای منطقه گرمسار اجرا شد.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد تعداد زنان روستایی مشارکت‌جو به منظور تدارکات جبهه‌های جنگ تحمیلی در ۱۰ روستای مورد نظر حدود ۱۵۰ نفر بوده است. در هر روستا به‌طور متوسط بین ۵ تا ۲۰ نفر در این تشکلهای فعالیت داشته‌اند. بنا به گفته آگاهان روستاها جمعاً حدود ۱۲ تشکل در این ۱۰ روستا فعالیت داشته‌اند که هرکدام از آنها سه تا چهار گروه را اداره می‌کردند. تعداد گروه‌های خودجوش حدود ۴۲ گروه بوده است که عمدتاً در تهیه نان و بعضاً در بسته‌بندی مواد غذایی، دوختن لباس و بافتن شال‌گردن و کلاه همکاری داشته‌اند. هریک از زنان روستایی مشارکت‌جو عمدتاً در یک گروه فعالیت می‌کردند. برخی نیز در دو یا



## کلیات ۱۷

سه گروه همکاری داشتند. مثلاً اگر گروه اصلی یک زن روستایی مشارکت‌جو گروه تهیه نان بوده است، برخی از آن‌ها در مواقع استراحت با گروه بافتنی یا بسته‌بندی هم همکاری می‌کرده‌اند. نتیجه اینکه در طول ۸ سال دفاع مقدس هر یک از زنان مورد مطالعه هر هفته ۱۰/۴۸ ساعت و هر ماه حدود ۴۲ ساعت و در هر سال ۵۰۳ ساعت و در هشت سال جمعاً ۴ هزار ساعت از وقت خودشان را در خدمت برای پشتیبانی از رزمندگان جبهه‌های جنگ، در تشکلهایی که به صورت خودجوش تشکیل شده بود، خدمت کرده‌اند. این میزان خدمت در هر روستا بین ۴۰ هزار تا ۶۰ هزار ساعت کار برآورد می‌شود. اگر فرض کنیم که این فعالیت حداقل در یک سوم روستاهای پرجمعیت کشور، یعنی در ده هزار روستا، وجود داشته است، رقمی که به دست می‌آید معادل ۶۰۰ میلیون ساعت کار داوطلبانه و مشارکت‌جویانه کل زنان روستایی کشور محسوب می‌شود که در طول هشت سال تقدیم جبهه‌های جنگ شده است.

این فرایند چنان دقیق و با تلاش شبانه روزی زنان مشارکت‌جوی روستایی و احساس مسئولیت آن‌ها انجام می‌شد که هر روستا را به صورت یک کارگاه تولیدی و مرتبط با یک شبکه فعال در کل روستاهای اطراف یک شهر تبدیل کرده بود. به قول زنان مشارکت‌جو، فعالیت در این تشکلهای علاوه بر تولیدات مفید عینی، شور و هیجان و احساس مفیدبودن قابل توجهی در زنان مشارکت‌جو به وجود آورده بود که در طول زندگی آن‌ها سابقه نداشته است. به گفته یکی از زنان مشارکت‌جو، آن‌ها در این مشارکتهای علاوه بر تولید نان و لباس برای رزمندگان جبهه، خودشان هم دوباره متولد شدند، باور جدید پیدا کردند و احساس کردند که آن‌ها هم می‌توانند مسئولیت‌های بزرگی را قبول کنند. بدون تردید این باورها و برداشتهای حاصل مشارکت جمعی آن‌ها بوده است و اقدام فردی طبیعتاً چنین نتایجی به دنبال نخواهد داشت.

جمشیدیها و حمیدی، در پژوهش تجربه زنان از جنگ (۱۳۸۶)، با تلقی تجربیات تاریخی زنانه به نحوی منحصربه‌فرد و با هدف بازنویسی این تجربیات، هجده مورد از خاطرات زنان را که برخی توسط خود آن‌ها به رشته تحریر درآمده بود (سه مورد) و مابقی به صورت شفاهی توسط این زنان نقل شده بود را در قالب سنت شفاهی و با ارجاع به نظریه ژیلبرت گاراگان<sup>۱</sup> به عنوان سند تاریخی محل ارجاع قرار داده‌اند و تجربه زنان از جنگ را از آن‌ها استخراج کرده‌اند. این تجربه ذیل شش مفهوم بیان شده است:

- تجربه از جاکندگی: جنگ آن‌چنان تأثیرات اجتماعی قدرتمندی را در پی دارد که زندگی روزمره این زنان را متلاشی کرده و آنان را از بستر این زندگی جدا می‌کند. زندگی خانوادگی زنان

---

1. Gilbert Garraghan

جنگ‌زده که روند عادی زندگی روزمره در مناطق مرزی است، در اثر این ازجاکنندگی دچار تغییرات چنان عمیق و بنیادین می‌شود که نویسنده از آن به‌عنوان انفجار ساختار خانواده یاد می‌کند.

- انفجار در ساختار خانواده: ازدست‌دادن حمایت مردان خانواده و جدایی اجباری از همسر و پدر و برادر به دلیل باقی‌ماندن آنان در شهر به‌منظور دفاع درد دیگری است که بر دردهای زنان جنگ افزوده می‌شود. به‌علاوه گروه‌هایی از زنان از جمله دختران امدادگر و زنان پرستار مناطق جنگی در صحنه باقی می‌مانند و یا با مراجعه به این مناطق ناچار به ترک خانواده خود می‌شوند.

- تغییر در خویشتن زنانه: زنانی که به اشکال مختلف فرصت حضور فعالانه در جنگ را می‌یابند، در مواردی اجباراً و گاه با میل شخصی خود پذیرای بازاندیشی‌هایی در خویشتن خود می‌شوند. در اثر این بازاندیشی تغییراتی ایجاد می‌شود که در اغلب موارد موجب قوی‌تر شدن و مستقل شدن آنان و در مواردی نیز باعث تخریب ساختار شخصیتی برخی از زنان می‌شود. از جمله خاطره زنان امدادگر از زنی که مسئولیت تدفین پیکر شهدا در قبرستان آبادان را بر عهده داشته از این موارد است. خبرنگار جنگی از جمله دیگر نقش‌های زنان در صحنه جنگ است. زنان مبارزی که اسلحه به‌دست گرفتند و به نبرد پرداختند، علاوه‌بر بازاندیشی در خویشتن و توانایی‌ها و زنانگی خود، موفق به پذیرش نقش‌های جدید و ایفای آن شدند و پس از مدتی تحسین مردان مخالف خود را برانگیختند.

- بدن زنان و تجربه جنگ: تجربه ترس از مورد تجاوز قرارگرفتن بدن زنانه تجربه مشترک اغلب زنان در فرهنگ‌ها و موقعیت‌های مختلف است. این تجربه در جنگ و جوهی دیگر پیدا می‌کند که آن را بسیار جدی‌تر و خشن‌تر نشان می‌دهد. تجربه بی‌حرمت شدن و مورد تعرض قرارگرفتن چیزی است که در کمتر نوشته‌ای از آن‌ها یاد شده است.

- تجربه تعلیق: تجربه انتظار ممتد تجربه زنانی است که عزیزی را در جنگ داشته‌اند، اما خود موفق به حضور در کنار آنان نمی‌شدند. این انتظار انواع گوناگونی دارد: انتظار برای شنیدن صدای آنان از پشت تلفن، انتظار دریافت خبر از رادیو و تلویزیون، انتظار برای بازگشت مردان از جبهه، انتظار دریافت خبر از سایر هم‌زمان و در موارد دردناکتری برای زنان خانواده‌های اسرا و مفقودین انتظار برای پیداشدن پیکر شهید و انتظار برای بازگشت اسیر یا شنیدن خبری از وضعیت او... این انتظار آن‌چنان طولانی، بی‌پایان و فلج‌کننده به‌نظر می‌رسد که تمام بخش‌های زندگی روزه را به حالت تعلیق درمی‌آورد و کل روال زندگی را به انتظاری تمام‌نشدنی

## کلیات ۱۹

تبدیل می‌کند... به هر حال برای بسیاری از خانواده‌ها این انتظار چندان به طول نمی‌انجامد و آنان ناگزیر از برخورد با صحنه‌ای می‌شوند که در آن باید خبر شهادت یا مجروح شدن و یا مفقودالاثر شدن مردان خانواده را دریافت کنند و شاهد صحنه‌هایی تکان‌دهنده باشند.

- تجربه بازجای‌گیری در زندگی روزمره جنگ: اغلب زنان پس از گذشت مدتی از جنگ، به نحوی مجدداً جریان زندگی روزمره را بازمی‌یابند. علی‌رغم وجود تفاوت آشکار با زندگی پیش از جنگ، این زنان این قدرت را پیدا می‌کنند که فرایندهای روزمره خود را از سر گرفته و به نحوی بر شرایط زندگی خود مدیریت کنند. تجربه زندگی در محیط جنگی این زنان را بیش از هر کسی به رزمندگان علاقه‌مند و با آنان همدرد می‌کند؛ نتیجه این حس مشترک ازدواج اغلب آنان با رزمندگان است. اکثر آنان پس از ازدواج در صحنه جنگ باقی مانده و به وظایف خود ادامه می‌دهند. در بیشتر موارد فقط تجربه مادر شدن و بارداری است که آنان را روانه شهرهای امن‌تر می‌کند (جمشیدیها و حمیدی، ۱۳۸۶).

در حیطه مشارکت اجتماعی و متغیرهای وابسته نیز باید به بررسی پیشینه پژوهشی پرداخت. در پژوهش‌های انجام شده از تجارب و فعالیت‌های مشارکتی در شهرهای ایران می‌توان به چرخ‌ریس‌ها اشاره کرد. در این‌گونه مشارکت، زنان چرخ‌ریس در حالی که هریک جداگانه و انفرادی برای خود می‌ریسیدند، هر شب در خانه یکی از اعضای گروه گرد هم می‌آمدند و با پذیرایی صاحب‌خانه به کار مشغول می‌شدند. به این ترتیب، کار در میان گروه همکاران و میهمانی به کاری جمعی و نشاط‌آور تبدیل می‌شد (فرهادی، ۱۳۷۱: ۷۲). همچنین گروه‌های خودیار عمدتاً در جامعه روستایی و شهری ایران تبلور داشته است؛ لایروبی قنات‌ها، نهرها، بستن سد بر روی رودخانه‌ها، تعمیر و لایروبی استخرها، حفر منابع آبیاری، تعمیر و احداث ساختمان‌های عمومی نظیر مسجد، حمام، استخدام کارگران، امور نگهداری و محافظت و نظایر آن (فرهادی، ۱۳۷۳: ۷۵-۷۶).

در پژوهش شیانی (۱۳۸۲: ۸۰-۶۰) سن، جنس، شغل، تحصیلات، احساس تعلق اجتماعی، احساس مالکیت بر امور شهری، سنت‌گرایی، رضایت از خدمات شهری و عضویت در تشکل‌ها عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی تلقی شده‌اند.

بهاری (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت زنان در سازمان‌های غیردولتی (NGOs) در شهر تبریز در سال ۱۳۸۵-۱۳۸۶» با استفاده روش پیمایش و جامعه آماری ۵۰۰ هزار نفر از کلیه زنان شهر تبریز، و براساس فرمول تعیین حجم نمونه کوکران، حجم نمونه آماری ۳۷۰ نفر از زنان شهر تبریز را انتخاب کرده است. روش نمونه‌گیری

در این تحقیق به طریق روش تصادفی نسبی بوده است، که در آن نسبت زنان در مناطق شهرداری‌ها، با توجه به مناطق مرفه‌نشین و محروم‌نشین، رعایت شده است. نتایج حاصل از این تحقیق عبارت‌اند از: بین روحیه مشارکت زنان و میزان مشارکت آنان در سازمان‌های غیردولتی رابطه وجود دارد؛ بین پایگاه اجتماعی زنان و میزان مشارکت آنان در سازمان‌های غیردولتی رابطه وجود ندارد؛ بین میزان مشارکت زنان در سازمان‌های غیردولتی با توجه به سطح تحصیلات زنان تفاوت وجود دارد؛ بین وضعیت اقتصادی زنان و میزان مشارکت آنان در سازمان‌های غیردولتی رابطه وجود دارد؛ بین میزان مشارکت زنان در سازمان‌های غیردولتی با توجه به سطح تحصیلات زنان تفاوت وجود دارد؛ بین میزان اعتماد به نفس و خودباوری زنان و میزان مشارکت آنان در سازمان‌های غیردولتی رابطه وجود دارد.

قراخانی (۱۳۸۲) در پژوهش خود با عنوان «نقش سازمان‌های غیردولتی در تقویت مشارکت اجتماعی»، به این مسئله پرداخت که سازمان‌های غیردولتی با چه راهکارها و عواملی بر مشارکت شهروندان و تقویت آن اثر می‌گذارند و اصولاً سطح مشارکت در این سازمان‌ها تا چه حد است. با بررسی تئوری‌های جامعه مدنی، سازمان‌ها و مشارکت اجتماعی، جامعه مدنی را به‌عنوان بستر شکل‌گیری سازمان‌های غیردولتی و مشارکت اجتماعی را به‌عنوان برون‌داد و محصول این سازمان‌ها مورد توجه قرار داد و تأثیر ساختار سازمانی سازمان مردم‌نهاد را بر مشارکت اجتماعی در آن، با روش پیمایش، مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد که مشارکت اجتماعی در سطح سازمان مردم‌نهاد در حد متوسط است و متغیرهایی مانند ساختار سازمانی، اطلاع‌رسانی، عضوپذیری، اهداف سازمانی، مدیریت مشارکتی و بوروکراسی بر مشارکت اعضا تأثیرگذار است.

سقراط (۱۳۸۷) نیز در پژوهشی به «بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زنان به مشارکت در سازمان‌های غیردولتی (NGOs)، مطالعه موردی شهر رشت» پرداخته و به این پرسش پاسخ داده که چه عواملی بر حضور و مشارکت زنان در سازمان‌های غیردولتی مؤثر است. یافته‌های تحقیق به‌طور خلاصه عبارت‌اند از: هرچه اعتماد بین فردی پاسخ‌گویان بیشتر باشد، میزان مشارکت آنان در انجمن‌ها بیشتر می‌شود. هرچه خود اثربخشی بیشتر باشد، میزان اجتماعی پاسخ‌گویان نیز بیشتر می‌شود. هرچه بیگانگی اجتماعی پاسخ‌گویان بیشتر باشد، میزان مشارکت آنان در انجمن‌ها کمتر می‌شود. هرچه عام‌گرایی پاسخ‌گویان بیشتر باشد، میزان مشارکت آنان در سازمان‌های مردم‌نهاد بیشتر می‌شود. هرچه میزان اشتغال پاسخ‌گویان به کار خانگی بیشتر باشد، میزان مشارکت آنان در انجمن‌ها کمتر می‌شود. هرچه ارزش‌های مادی